

انگاره قرآنی اخوت و برادری مسلمین با یکدیگر و همجنس و همنوع بودن همه انسان‌ها با یکدیگر، چگونگی معاشرت با اقلیت‌های مذهبی را به سمت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز هدایت می‌کند. این هم‌زیستی در جامعه‌های متکثر فرهنگی نمود و ضرورت بیشتری دارد. نمونه بارز این هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و بلکه محترمانه و عاطفی در دوران معاصر، رفتارهای اخلاقی امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، با مسیحیان و اهل سنت لبنان است. به نمونه‌ای از رفتار محترمانه و اخلاق‌مدار ایشان اشاره می‌شود:

امام موسی صدر در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۷۵ (۳۰ بهمن ۱۳۵۳) برای خواندن خطبه موعظه آغاز روزه، در کلیسای کبوشیین بیروت حضور یافت. در این مراسم که بزرگان مسیحیت لبنان در آن شرکت جستند، در بالاترین سطوح سیاسی و دینی فرقه‌های مسیحی، و به عنوان نماد «گفت‌وگو و هم‌زیستی»، از امام صدر تجلیل شد. شارل حلو، رئیس‌جمهور اسبق لبنان، در این باره می‌گوید: «برای نخستین بار در تاریخ مسیحیت یک روحانی غیرکاتولیک در کلیسایی کاتولیک و برای جمعی از مؤمنان در جایگاه موعظه سخن می‌راند. این اتفاق نه تنها اعجاب‌انگیز، بلکه موجب تأمل و تفکر عمیق و درازمدت است.» سید موسی صدر برای موعظه آماده شد و این‌گونه آغاز کرد: «خدایا، تو را سپاس می‌گوییم. پروردگارا، ای خدای ابراهیم و اسماعیل، خدای موسی و عیسی و محمد، خدای مستضعفان و همه آفریدگان... ما هم‌اینک در پیشگاه تو و در خانه‌ای از خانه‌های تو، در ایام روزه، به خاطر تو گرد آمده‌ایم. دل‌های ما به سوی تو پر می‌کشند و خرده‌های ما نور و هدایت را از تو می‌گیرند. تو ما را فراخوانده‌ای تا در کنار یکدیگر در خدمت به خلق گام برداریم و بر کلمه سواء (پیام مشترک) برای خوشبختی بندگان اتفاق کنیم. به سوی درگاهت روی آورده‌ایم و در محراب تو نماز گزارده‌ایم. برای انسان گرد آمده‌ایم، انسانی که ادیان برای او آمده‌اند، ادیانی که یکی بوده‌اند و هرکدام ظهور دیگری را بشارت می‌داده‌اند و یکدیگر را تصدیق می‌کرده‌اند. خداوند به واسطه این ادیان، مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون کشید و آنان را از اختلافات ویرانگر نجات داد و پیمودن راه صلح و مسالمت آموخت...»^۱

آنچه از متون دینی ما و نیز سیره اهل بیت و علمای سابق و معاصر شیعی فهمیده می‌شود

ارتباط مبتنی بر احترام و عطوفت با صاحبان فکر و اندیشه غیرشیعی است، نه قطع ارتباط یا ارتباط مبتنی بر بی ادبی، فحاشی و تنش زایی. در اینجا به روایتی از سیره امام صادق در انگاره درست درباره کسانی که اندیشه مذهبی ما را قبول ندارند اشاره می شود.

مردی از خدمت گزاران امام صادق علیه السلام می گوید: «زمانی که امام صادق علیه السلام در حیره بود، مرا با جماعتی از دوستانش پی کاری فرستاد. ما رفتیم. سپس وقت نماز عشا، اندوهگین مراجعت کردیم. در آن میان، امام صادق علیه السلام آمد و از کاری که مرا دنبالش فرستاده بود پرسید. من هم گزارش دادم. حضرت حمد خدا کرد. سپس از گروهی سخن به میان آمد که من عرض کردم: قربانت گردم، ما از آن ها بیزاری می جوئیم، زیرا آن ها به آنچه ما عقیده داریم عقیده ندارند. حضرت فرمود: آن ها ما را دوست دارند و چون عقیده شما را ندارند، از آن ها بیزاری می جوئید؟ گفتم: آری. فرمود: ما هم عقایدی داریم که شما ندارید. پس سزاوار است که ما هم از شما بیزاری جوئیم؟ عرض کردم: نه، قربانت گردم. فرمود: نزد خدا هم حقایقی هست که نزد ما نیست. گمان داری خدا ما را دور می اندازد؟ عرض کردم: نه به خدا. قربانت گردم، از آن ها بیزاری نمی جوئیم. حضرت فرمود: آن ها را دوست بدارید و از آن ها بیزاری مجوئید. بعد حضرت توضیحی فرمودند که خلاصه آن این است که زیرا در میان مسلمانان، برخی از افراد یک سهم، برخی دو سهم و برخی تا هفت سهم (از ایمان را) دارند و روشن است که برخی فاقد مراتب والاتری از ایمان هستند که نزد سایر مسلمین است...»^۱

۵. معاشرت با سالمندان و معلولان

نخست به قدری پیش آگاهی درباره این دو وضعیت سالمندی و معلولیت نیاز است:

سالمندی: مطالعات گوناگون حاکی از این اند که جمعیت جهان در حال سالمند شدن است. پیش بینی ها بیانگر این اند که تعداد جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر، طی ۵۰ سال آینده، دو برابر می شود و رشد جمعیت سالمندان برای سال های ۲۰۲۵-۲۰۳۰ به حدود ۳/۵ برابر رشد جمعیت کل می رسد.^۲ در این بین، کشورهای روبه توسعه ای همچون ایران که تاکنون جمعیتی جوان داشته اند، نسبت به کشورهای توسعه یافته، به طور جدی تری با افزایش

۱. شیخ کلینی، **الکافی**، ج ۳، ص ۱۱۰ (چاپ دارالحديث).

2. United Nations Population Division.un.org.

جمعیت سالمندان روبه‌رو خواهند بود و به‌منظور برنامه‌ریزی برای سالمندی جمعیت خود زمان کمتری دارند.

تعداد افراد ۶۰ ساله و بیشتر کشور، به‌ازای هر صد نفر جمعیت زیر ۱۵ سال، از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ دو برابر شده و از ۱۷ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳۵ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است.^۱ علاوه بر آن، توجه به این نکته نیز بسیار حائز اهمیت است که از سال ۱۴۲۰ شمسی، متولدان دهه ۶۰ ایران به سنین سالمندی خواهند رسید و درواقع با انفجار جمعیت سالمند مواجه خواهیم شد. بنابراین در فرصت حدوداً بیست سال، سیاست‌گذاری در کشور باید برای مواجهه با پدیده سالمندی آماده شود. حاکمیت با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی، مانند راه‌اندازی مدل بومی دانشگاه سومین نسل سنی (U3A) در ایران، توانمندسازی سالمندان در مواجهه با مسائلی مانند تنهایی، بیماری و... می‌تواند این انفجار جمعیت را مدیریت کند. از سوی دیگر، همه ما نیز به‌عنوان فاعل‌های اخلاق‌مدار، نیازمند توانمندی در برقراری ارتباط بهینه با سالمندان هستیم.

معلولیت: براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO)، معلولیت عبارت است از ایجاد اختلال در رابطه بین فرد و محیط. به عبارت دیگر، معلولیت مجموعه‌ای از عوامل جسمی، ذهنی، اجتماعی یا ترکیبی از آن‌هاست که به‌نحوی در زندگی شخص اثر سوء برجای می‌گذارند و مانع زندگی وی به‌صورت طبیعی می‌گردند. چنین فردی اصطلاحاً «معلول» نامیده می‌شود و غالباً به‌دلیل نبود امکان زندگی مستقل، از نظر شخصی و اجتماعی نیازمند توانبخشی است. معلولیت و ناتوانی پدیده‌ای است که در تمامی جوامع انسانی وجود داشته است و هیچ اجتماعی عاری از وجود معلول نیست.

در مواجهه با هریک از این دو گونه معاشرت با سالمندان و معاشرت با معلولان، ضمن پذیرش تفاوت‌ها و تنوع‌ها، حداقل سه مهارت اخلاقی مهم بایستی رعایت شود:

۱-۵. ارتباط محترمانه، نه ترحم‌آمیز

انسان‌ها در هر وضعیتی که باشند، تفاوت میان نگاه محترمانه و ترحم‌آمیز را درک می‌کنند. در نگاه ترحم‌آمیز، نوعی دلسوزی متکبرانه حس ضعف و ناتوانی را به طرف مقابل القا

1. Mirfallahnasiri SN. The demographic characteristics of the Iranian elderly and related indicators 2007. srte.ac.ir.